

نبرد خلق

مرگ بر رژیم خمینی
زنده باد صلح و آزادی

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ارگان
سازمان چریک های فدایی خلق ایران

شماره ۱۱۱

دوره چهارم سال یازدهم - اول شهریور ۱۳۷۳

۱۲ صفحه

دیدار مرضیه خواننده بی همتای ایران، با خانم مریم رجوی



خانم مرضیه، هنرمند معروف و محبوب مردم ایران، که اخیراً ایران را ترک کرده است در روز ۲۷ مرداد ۷۳ با خانم مریم رجوی رئیس جمهور دوران انتقال دیدار کرد. در اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت به تاریخ ۲۸ مرداد در باره این دیدار آمده است:

«... خانم مرضیه که ۶۹ سال دارد، از ۵۰ سال پیش موسیقی و خوانندگی را نزد بزرگترین استادان موسیقی ایران فرا گرفت. وی که طی نیم قرن منجمله بیش از هزار ترانه اجرا کرده است، بزرگترین و معروفترین هنرمند ایرانی بشمار می آید.

دیکتاتوری قرون وسطایی ملایان طی ۱۵ سال گذشته وی را از خواندن و هنرنمایی ممنوع کرد و وی نیز هیچگاه حاضر نشد به شرایط ملایان جنایتکار تن دهد. وی برای پیوستن به مقاومت ایران و حمایت از رئیس جمهور مقاومت از ایران خارج شد.

در این ملاقات خانم مرضیه گفت من تردید ندارم دوران سیاه ملایان با مبارزات ارتش آزادیبخش و مقاومت ایران و تلاشهای رئیس جمهور این مقاومت به پایان خواهد رسید. وی خانم رجوی را راهنمای زنان و مشوق هنرمندان خواند و گفت من به شما به خاطر همه کارهای بزرگتان تبریک می گویم و مطمئن هستم که نه تنها در دوران ما، بلکه در طول تاریخ زنی به شجاعت و شهامت شما سراغ ندارم.

رئیس جمهور مقاومت ایران، خانم مرضیه را، ام کلثوم ایران و بانوی بزرگ آواز و موسیقی و ستاره درخشان آسمان هنر ایران توصیف کرد و خطاب به وی گفت حال که شما در صدر هنرمندان ایرانی به یاری مقاومت شتافتید، هنرمندان ایران را سرفراز کردید و نشان دادید تسلیم شدن نیستند. خانم رجوی افزود با استقرار دمکراسی در ایران، فرهنگ و هنر ایرانی نیز از شر رژیم خمینی رها خواهد شد و به اوج شکوفایی خواهد رسید.»

دیدار خانم مریم رجوی با آبه پیر

در صفحه ۲

قیام دو روزه مردم قزوین

اداره دارایی را به آتش کشانده و سوزانده‌اند. پلیس گشت اتوبان گفت، جاده های منتهی به قزوین بسته شده‌اند. یک افسر پلیس گفت: به اینجا بیایید. این کار توصیه نمی‌شود... اخبار جنبش مردم قهرمان قزوین بلافاصله در تمام رسانه های گروهی جهان انعکاس یافت. علی محمد بشارتی وزیر جنایتکار کشور، در مقابل این جنبش گسترده اجتماعی، دست به عقب‌نشینی زد و اعلام نمود که قزوین از استان زنجان مجزا و به استان تهران متصل می‌شود. این حرف بشارتی که هیچ پشتوانه قانونی نداشت و تنها برای آرام کردن شرایط اعلام شده بود، نتوانست مردم را به سکوت وادارد و مردم به گسترش قیام خود مبادرت ورزیده. رژیم برای سرکوب مردم تمام نیروی خود را بسیج کرد. به لشکر ۱۶ زرهی قزوین آماده‌باش کامل داد و از تهران و شهرهای اطراف نیرو به قزوین

در صفحه ۲

روز چهارشنبه ۱۲ مرداد ۷۳، مردم قزوین با بهانه قراردادن رد لایحه استانی شدن قزوین، به یک قیام بزرگ اقدام کردند. مجلس ارتجاع در این روز با ۱۰۵ رای مخالف در مقابل ۱۰۳ رای موافق و ۲۱ رای ممتنع، طرح استانی شدن قزوین را رد کرد. با اعلام این خبر در اخبار ساعت ۲ رادیو رژیم، مردم بلافاصله به یک اعتراض گسترده علیه حکومت آخوندها دست زدند. خبرگزاری رویتر در همین روز از قول یک نفر در قزوین این خبر را اینگونه مخابره نمود: «مردم لاستیکها را در خیابانها به آتش کشیدند. شیشه بانکها و ساختمانهای دولتی را خرد کردند. من در اینجا صدای تیراندازی می‌شنوم. خیلی غوغا و درهم و برهم است. مردم در خیابانها و مساجد جمع شده و درگیریهایی در خیابانها وجود دارد. پلیس هیچ کاری نمی‌تواند بکند. یک نفر دیگر از اهالی قزوین گفت شورشگران ساختمان

جنبش اعتراضی مردم تبریز

در صفحه ۲

در این شماره :

- | | |
|--|-----------|
| تسلیمه نسوین به مبارزه ادامه می دهد | در صفحه ۲ |
| فیدل کاسترو از گذشته سخن می گوید | در صفحه ۴ |
| از گات تا نفتا و بحران های بین المللی | در صفحه ۹ |
| جنگ رواندا یک جنگ قبیله ای نیست | در صفحه ۸ |
| کارخانه ها تعطیل و کارگران بیکار می شوند | در صفحه ۲ |
| حمله به مراسم به خاکسپاری دکتر امیرعلایی | در صفحه ۲ |

هرچه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنوشت رژیم خمینی

قیام دو روزه مردم قزوین

از صفحه ۱

اعزام کرد. اما مردم قزوین در روز پنجشنبه نیز به قیام خود ادامه دادند. مردم با حمله به مراکز ستم دولتی و آتش زدن ادارات دولتی، نفرت و انزجار خود را از رژیم ضد مردمی آخوندی نشان دادند. دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران بطور مرتب اخبار مربوط به این قیام مردمی را از طریق اطلاعیه‌های پیاپی به اطلاع رسانه‌های گروهی جهان و هم‌میهنان خارج از کشور قرار می‌داد. مسئول شورای ملی مقاومت ایران آقای مسعود رجوی، ضمن ستایش از قیام قهرمانانه مردم قزوین، این حرکت اعتراضی بزرگ مردم را مبین عدم مشروعیت مطلق رژیم بحران‌زده آخوندها و شاخص میزان خشم و انزجار عمومی علیه رژیم که جز سرکوب، اعدام، فقر و سیه‌روزی هیچ دستاوردی برای مردم نداشته و ندارد، توصیف کرد. در جریان قیام مردم قزوین بسیاری از مزدوران رژیم از ترس انتقام مردم یا فرار کرده و یا لباسهای رسمی خود را عوض می‌کردند. احمد نصری نماینده ارتجاع از قزوین مورد حمله مردم قرار گرفت و از ناحیه سر مصدوم شد. خبرگزاری رویتر در روز پنجشنبه چند گزارش پیرامون این رویداد مخابره نمود. خبرگزاری رویتر از قول یک تلفن کننده در قزوین گفت: «در حالی که صدای تیراندازی از تلفن به گوش می‌رسید، او گفت، مردم خواستار ابراز درخواستهایشان به آرامی و مسالمت‌آمیز بودند، ولی وقتی پلیس تیراندازی می‌کند، مردم با سنگ و قله سنگ پاسخ می‌دهند. او افزود: مردم زیادی روز چهارشنبه دستگیر شده‌اند». خبرگزاری فرانسه در روز دوم قیام این خبر را مخابره نمود: «بنا به گفته شاهدان، نیروهای انتظامی ایران بعد از ظهر پنجشنبه شهر قزوین را محاصره کردند. تمام جاده‌هایی که به قزوین منتهی می‌شوند به گفته شاهدانی که با آنها تلفنی تماس گرفته شد در ابتدای شب بسته بودند». سرانجام رژیم با اعزام وسیع نیرو، دستگیری بسیار و کشته و زخمی نمودن تعداد زیادی از مردم در پایان روز پنجشنبه می‌تواند به شهر تسلط پیدا کند و یک حکومت نظامی گسترده در شهر قزوین ایجاد کند. در روزهای بعد، رژیم به دستگیری گسترده مردم می‌پردازد. خبرگزاری فرانسه روز ۱۴ مرداد گزارش نمود که: «اوضاع شهر قزوین امروز به سبب استقرار نیروهای انتظامی در این شهر و اعلام ممنوعیت هرگونه گردهمایی تا تاریخ نامعین آرام بود». خبرگزاری رویتر در همین روز گزارش نمود که: «پلیس شهر شورشی قزوین را در روز جمعه عملاً تحت یک حکومت نظامی قرار داده ولی یکی از اهالی گفت صدای تیراندازی در سومین روز هنوز به گوش می‌رسد. یک تاجر در قزوین تلفنی گفت، نفرت پلیس در خیابانهای

جنبش اعتراضی مردم تبریز

ساعت ۷ بعد از ظهر روز ۲۸ مرداد ۷۳، هزاران تن از مردم تبریز طی یک تظاهرات ضد حکومتی با نیروهای امنیتی درگیر شده و بسیاری از ساختمانهای دولتی، بانکها و مراکز نیروهای سرکوبگر رژیم را مورد حمله قرار دادند. دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، اعلام کرد که تظاهرات و درگیری در استادیوم تختی شهر طی یک مسابقه فوتبال، وقتی که پاسداران برای مردم مزاحمت ایجاد نمودند، آغاز گردید. تماشاچیان با شعار علیه رژیم به خیابانها ریخته و گروه کثیری از مردم به آنها پیوستند. لازم به یادآوری است که روز قبل از این تظاهرات، رژیم برای قدرت‌نمایی در مقابل مردم، بسیجیان سرکوبگر خود را در سراسر کشور به میدان آورده بود. رادیو رژیم تعداد این بسیجیان در سراسر کشور را ۳۰۰ هزار نفر اعلام کرده بود. اما جنبش اعتراضی مردم تبریز، یک روز بعد از این قدرت‌نمایی آخوندها نشان داد که مردم از هر فرصتی برای ضربه زدن به رژیم استفاده می‌کنند

دیدار خانم مریم رجوی با آبه‌پیر

خبرگزاری ایران زمین در تاریخ ۷ مرداد ۷۳، خبر دیدار رئیس جمهور برگزیده مقاومت با کشیش فرانسوی و چهره سرشناس مدافع حقوق بشر، عالیجناب آبه‌پیر را پخش نمود. این دیدار و گفتگو در محل اقامت خانم مریم رجوی صورت گرفت. پس از این دیدار جناب آبه‌پیر اطلاعیه‌ای صادر نمود و آنرا در اختیار رسانه‌های خبری قرار داد. خبر این دیدار وسیعاً در رسانه‌های خبری انعکاس یافت.

اصلی در هر ۲۰ متر ایستاده‌اند. آنها مردم را متوقف ساخته و بازپرسی کرده و اتومبیلها را چک می‌کنند. او اضافه نمود که «ما چیزی شبیه یک حکومت نظامی اعلام نشده از شب گذشته داریم». مسئول شورای ملی مقاومت ایران در رابطه با دستگیری‌های گسترده در شهر قزوین طی تلگرافی به دبیرکل ملل متحد خواهان اعزام یک هیئت تحقیق پیرامون کشتار مردم قزوین توسط رژیم ملایان گردید.



تسلیمه نسرين به مبارزه ادامه می دهد

روز ۳ اوت برابر با ۱۲ مرداد اسفند، تسلیمه نسرين پس از دو ماه زندگی مخفی، خود را به دادگاه معرفی نمود و بلافاصله با قید ضمانت آزاد شد. دادگستری بنگلادش با اعلام این مطلب که نسرين می‌تواند هنگامی که دادگاه او شروع شد، در دادگاه شرکت کند و یا وکیل خود به دادگاه بفرستد، عملاً راهی برای خروج قانونی تسلیمه نسرين از کشور که محافل مترقی جهان خواستار آن بودند، بوجود آورد.

رادیو فرانسه در تاریخ ۱۰ اوت اسفند خبر ورود تسلیمه نسرين به سوئد را گزارش نمود. رادیو بین‌المللی فرانسه گفت: «تسلیمه نسرين نویسنده بنگلادشی که فتوای قتل وی توسط اسلاميون کشورش صادر شده بود امروز وارد سوئد شد. تسلیمه نسرين به محض ورود به استکهلم به محل ناشناخته‌یی منتقل گردید. انجمن قلم سوئد که میزبان تسلیمه نسرين محسوب می‌شود با انتشار بیانیه‌یی از جانب وی اعلام داشت که نویسنده بنگلادشی از کلیه کسانی که وی را در کشور و در خارج مورد حمایت قرار داده‌اند سپاسگزاری می‌کند. وزیر امور خارجه سوئد امروز از این که دولت بنگلادش از خروج تسلیمه نسرين جلوگیری نکرده است اظهار خرسندی کرد. در بنگلادش مقامات دولتی و مسئولین سازمانهای اسلامی از خروج وی اظهار خرسندی کردند. یکی از سازمانهای اسلامی کشور نیز خواستار جلوگیری از بازگشت وی به بنگلادش شد. تسلیمه نسرين در مصاحبه‌یی با یک روزنامه هندی خواستار تجدید نظر کامل در احکام قرآن و اسلام گردیده بود».

رادیو اسرائیل نیز در همین روز پیرامون تهدیدهای بنیادگرایان در بنگلادش گفت: «همسر پیشین خانم تسلیمه نسرين نیز امروز در یک مصاحبه اختصاصی با رادیو اسرائیل گفت: تا هنگامی که تهدید بنیادگرایان اسلامی علیه این نویسنده باقی باشد، او هرگز نخواهد توانست به کشورش بازگردد. بنیادگرایان خواستار اعدام خانم نسرين بودند و حتی تهدید کرده بودند که هزاران مار سمی در خیابانهای پایتخت رها خواهند کرد».

تسلیمه نسرين پس از ۹ روز اقامت در سوئد، به دریافت جایزه سال ۱۹۹۴ کورت توچولسکی نایل آمد. خبرگزاری فرانسه در گزارشی در تاریخ ۱۸ اوت ۹۴ تحت عنوان تسلیمه نسرين تسلیم نمی‌شود بخشی از اظهارات تسلیمه نسرين را منتشر نمود. در گزارش خبرگزاری فرانسه می‌خوانیم که: «تسلیمه نسرين در استکهلم اعلام

اخبار و رویدادها.....

حمله به مراسم خاکسپاری
دکتر امیرعلایی«صندلیهای خالی تماشاچیان»
مردم تبلیغات رژیم را خنثی می کنند

کمبود آب

اهالی شهرهای جویبار، کیلکلا و توابع این شهرها حدود ۱۵۰ هزار جمعیت با مشکل کمبود آب مواجه می باشند. آب مصرفی این شهرها توسط چاههایی ایجاد شده در شهرستان قائم شهر تامین می گردد و این چاهها قادر به تامین آب مورد نیاز مردم این مناطق نمی باشند، آب در شهرهای فوق سهمیه بندی شده و اهالی بیش از نیمی از روز را بدون آب سپری می کنند. این مسأله باعث بروز اعتراضات زیادی در منطقه شده است.

کارخانه ها تعطیل و کارگران
بیکار می شوند

سیاست اقتصادی رفسنجانی هر روز بیش از روز دیگر منجر به فقر و بیکاری مردم و خوابیدن چرخ صنایع کشور می شود. خبرگزاری رژیم در تاریخ ۲۷ تیر ۷۳ گزارشی از تعطیل شدن ۱۶ واحد تولیدی و صنعتی در شهرستان ایرانشهر منتشر می کند. این خبرگزاری علت تعطیل این واحدهای صنعتی را «کمبود نقدینگی و عدم تامین مواد اولیه» نامیده است. خبرگزاری جمهوری اسلامی از قول فرماندار ایرانشهر اعلام می کند که: «مشکل حمل و نقل ناشی از افزایش کرایه کالا نیز در تعطیلی این واحد موثر بوده است.

امینی همچنین یکی از مشکلات دیگر منطقه گرمسیری ایرانشهر را نبود سردخانه نگهداری میوه ذکر کرد. به گفته وی سالانه حدود ۳۰ هزار تن خرما ۲۵ هزار تن مرکبات و انبه در شهرستان خاش تولید می شود که به دلیل این کمبود محصولات یاد شده فاسد و یا ارزان توسط دلالان غیر بومی خریداری می شود. وی بر ایجاد صنایع بسته بندی خرما در ایرانشهر تاکید کرد و افزود سی هزار تن خرما تولیدی شهرستان ایرانشهر در کرمان بسته بندی و بنام خرما مضافتی بم عرضه می شود.

مجید امینی افزود در حال حاضر ۲۵

راديو اسرائيل در برنامه روز ۲۱ مرداد ۷۳ خود پیرامون مراسم خاکسپاری دکتر امیرعلایی می گوید: امروز در جریان مراسم به خاکسپاری دکتر شمس الدین امیرعلایی به سوی سوگواران حمله بردند و با ربودن آقای داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران، گروهی از شرکت کنندگان را زخمی ساختند و ۱۰ تن را بازداشت کردند. دکتر شمس الدین امیرعلایی که در دوران حکومت دکتر محمد مصدق یکی از وزیران کابینه وی بود، دو روز پیش در بیمارستان فوت کرد. وی ۳۵ روز پیش هنگام خروج از خانه اش توسط یک اتومبیل وانت، بشدت مضروب شد و به بیمارستان انتقال یافت. رهبران جبهه ملی عقیده دارند که این تضاد عمده بود. اتومبیل وانت از ساعتها پیش منتظر خروج دکتر امیرعلایی از خانه اش بوده است. حزب ملت ایران در گزارش خبری خود اعلام داشت، پیش از ظهر امروز در گورستان بهشت زهرا شمار نامعلومی از افرادی که به اسلحه کمری مجهز بودند و فریاد «حزب الله، حزب الله» می کشیدند، به جمعیتی که در مراسم به خاکسپاری بودند حمله بردند و زدو خورد شدیدی در گرفت. در این درگیری شمار نامعلومی از افراد مضروب شدند و حدود ۱۰ تن بازداشت گردیدند و آقای داریوش فروهر نیز توسط حزب اللهی های مسلح به نقطه نامعلومی برده شد.

۲ ساعت بعد دستگیرشدگان آزاد و به مراسم می پیوندند. خبرگزاری رویتر در خبری که در مورد این مراسم مخابره نمود اعلام کرد که: «عزاداران در مورد این که کدام پرچم ایران به دور تابوت بسته شود اختلاف داشتند. پرچم کنونی ایران با آرم اسلامی است و پرچم قبل از انقلاب با شیروخورشید می باشد. در پایان تابوت بدون پرچم به دور آن باقی ماند.»

واحد تولیدی و صنعتی در زمینه های مختلف مواد غذایی مصالح ساختمانی صنایع تولید خودکار میخ و ساخت تانکر در این شهر فعال می باشد.»

اولین دوره بازیهای دانشجویان کشورهای اسلامی در ابتدای مرداد ماه امسال آغاز شد. در مورد این بازیها رژیم تبلیغات بسیار نمود. در حالی که فقط دانشجویان ۶ کشور پاکستان، اندونزی، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و آذربایجان در این بازیها شرکت کردند. در مورد اینکه آیا زنان می توانند به تماشای مسابقات فوتبال دانشجویان بروند یا نه. مسئولین ورزش رژیم چهار بار نظرشان تغییر کرد و سرانجام تماشای بازیهای فوتبال را برای زنان ممنوع اعلام کردند. اما جالب اینکه این بازیها اصلاً مورد استقبال مردم و بویژه جوانان و دانشجویان قرار نگرفته است. روزنامه رسالت در شماره ۳ مرداد ۷۳ می نویسد: «به راستی اگر اهداف از برگزاری مسابقات را در کنار بی توجهی و بی علاقه گی جوانان و خصوصاً دانشجویان با عدم حضور در سالنهای مسابقه کنار هم بگذاریم، با وجود صندلیهای خالی تماشاچیان چه نتیجه ای می گیریم؟» روزنامه رسالت ادامه می دهد که «چرا باید مثلاً مسابقه والیبال یا بسکتبال و تنیس روی میز خواهران فقط با حضور چهل یا پنجاه نفر تماشاچی برگزار شود؟» جالب اینست که گردانندگان روزنامه رسالت که خود بهتر از هر کس با سیاستهای ارتجاعی رژیم آشنا هستند، از این بی توجهی مردم تعجب می کنند. برای اینکه به نقش روزنامه رسالت در ایجاد فضای خفقان در ورزشگاهها پی برده شود، متن کامل یک خبر از روزنامه رسالت ۳ مرداد ۷۳ که از عدم استقبال جوانان از مسابقات شکوه و شکایت نموده را کاملاً کلیشه می کنیم تا روشن شود که از کوزه همان برون تراود که در اوست.

در حاشیه

رسالت ۲ مرداد ۷۳

و تماشاچی» بدون پوشش اسلامی حضور دارند ناگهان پسریچه دوازده، سیزده ساله ای نیز در قسمت رختکن و آبدارخانه سالن دیده شد. که مشخص گردید فرزند مربی تیم ایران است!

این مسئله جای تاسف بسیاری را باقی می گذارد که چرا مسئولین دست اندرکار با بی توجهی «نوردی» زحمات خود و دیگران را اینگونه خنثی می کنند.

البته لازم به ذکر است که با تذکر خبرنگار رسالت موارد فوق مرتفع گردید و نسبت به اخراج آنان اقدام شد ولی اگر خبرنگار ما حضور نداشت چه ۱۲

در سالن شهید اهراسی بازیهای بسکتبال خواهران دانشجویان حضور شش کشور مسلمان پاکستان، اندونزی، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و آذربایجان برگزار می شود.

خواهران بازیکن با لباسهای ورزشی خود در محیطی به ظاهر امن! به رقابت می پردازند اما حضور چند پسر بیجه هشت و نه ساله بر روی صندلی تماشاچیان جای تعجب بسیاری را باقی می گذارد.

در حین انجام مسابقه که خواهران حاضر دو سالن مهم از «بازیکن، مربی، مسئولین

فیدل کاسترو از گذشته سخن می‌گوید

ما نشان دادیم که ستاره‌ای بوده‌ایم. ستاره‌ای که فروغ و روشنایی خاص خود را پرتو افکنی می‌کرده است.

لوموند: چهارشنبه ۲۲ دسامبر ۱۹۹۳

مترجم: ه. مهرنوش

ژاس گاورونسکی، روزنامه‌نگار ایتالیایی اخیراً گفتگویی طولانی با فیدل کاسترو انجام داده است، فیدل کاستروی که اعلام می‌کند همچنان قاطعانه «راه انقلاب» رال در خط سوسیالیسم دنبال می‌کند. در این مصاحبه که ۲۱ دسامبر در روزنامه استامپا انتشار یافت و ما بخشهای زیادی از آن را مجدداً منتشر می‌کنیم «رهبر maximo» همچنین از بحران موشکها که کم مانده بود باعث بوجود آمدن جدی‌ترین درگیری اتمی تاریخ گردد صحبت می‌کند.

- «در کوبا همچنان از «انقلاب» و «سوسیالیسم» صحبت می‌شود، آیا این کلمات همان مفهوم سی سال پیش را دارند؟

- خیر، به دو دلیل، ابتدا برای اینکه آتموقع ما برنامه بلند پروازانه‌ای داشتیم، که قسمت بزرگی از آن انجام شده. بعد هم برای اینکه وضعیت بین‌المللی بصورتی بارز تغییر یافته. با این

وجود ما پایبند به ایده‌الها و اهداف سیاسی، اجتماعی خودمان هستیم.

«فروپاشی کمونیسم شما را با این فکر و نمی‌دارد که در کوبا هم چیزی می‌باید تغییر کند؟

- سوسیالیسم در اتحاد شوروی خود تخریبی نمود، انتحار نمود. ما هیچ دلیلی برای از بین بردن خود نمی‌بینیم. این مسأله برای ما هم بسیار شگفت بود. کلیه ارزشهایی که بر اساس آن، این کشور بزرگ بنیانگذاری شده، و خدمات مهمی هم به بشریت عرضه کرده بود، منهدم گردیدند. اثر و کار لنین و به تحقق رساندن انقلاب اکتبر کارهای فوق‌العاده‌ای در تاریخ بوده‌اند. نقش اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مبارزه علیه فاشیسم تعیین کننده بود، همچنانکه در آزاد سازی مستعمره‌های سابق. من همچنان فکر می‌کنم که اتحاد شوروی و سوسیالیسم نمی‌بایست از بین می‌رفتند بلکه باید آبدیده می‌شدند. امروزه ما در جهان یک قطبی تحت هژمونی ایالات متحده هستیم، هژمونی‌ای که بخش بزرگی از این جهان نتایج آنرا متحمل می‌شود.

- آیا گورباچف را بعنوان مسئول آنچه پیش آمد می‌دانید؟

سازمان پناهندگان کوبا معتقد است که فشار اقتصادی آنهم در موقعی که تحریم سی‌ساله کوبا توسط ایالات متحده در حال ثمر دادن است، به تنهایی برای سرنگون نمودن حکومت کوبا کافی بوده و نیازی به مبارزه مسلحانه نمی‌باشد.

فیدل کاسترو با این‌که پیوسته از فشار بار حکومت نالیده است همچنان مغرورانه دست کشیدن از قدرت را معادل فرار از جبهه می‌داند ولیکن برای تعدیل بحران ناچار به ورود در امر گشایش اقتصادی شده است. او با متهم کردن واشنگتن به برانگیختن ناراضیهای کوبائیمها برای ایجاد حمام خون در این کشور با هدف نهایی مداخله، ایالات متحده را تهدید کرد که اگر تدابیر فوری و موثری برای جلوگیری از مهاجرت غیر قانونی کوبائیمها به آن کشور اتخاذ ننمائید مانند سال ۱۹۸۰ که اجازه داد ۱۲۵۰۰۰ کوبایی ناراضی از بندر ماریل به آمریکا بروند، این بار هم به کوبائیان ناراضی اجازه خواهد داد که وسیعاً بطرف فلوریدا روانه شوند. مقامات ادارات پناهندگی امریکایی ضمن اعلام اینکه حکومت این کشور برای مقابله با موج محتمل مهاجرت عظیم پناهندگان کوبایی آمادگی لازم را دارند تاکید می‌کنند که فیدل کاسترو نمی‌تواند سیاست پذیرش پناهندگی را

- خیر. گورباچف خواستار تکامل شدن سوسیالیسم بود: او هیچوقت از انهدام سوسیالیسم صحبتی نکرد. بنابراین می‌باید دید چرا آنچه را که هیتلر موفق نشد با صدها لشکر و دهها هزار هواپیما و زره‌پوش بدست آورد، بدون جنگ، بدون لشکرهای زره‌پوش، بدون هواپیما و تانک تحقق یافت. چه نقشی سرویسهای مخفی غربی در کل این قضایا ایفا نموده‌اند؟ این را تاریخ خواهد گفت.

- برای کوبا نتایج فروپاشی سوسیالیسم چه خواهد بود؟

- از بین رفتن اردوی سوسیالیسم زیان فوق‌العاده‌ای بر ما وارد آورده است. در مقابل محاصره آمریکا، ما از تجارت با کشورهای سوسیالیستی که پشتیبان توسعه اقتصادیمان بودند، بهره‌مند می‌شدیم. اکنون پشتیبان از بین رفته در حالی که محاصره ادامه دارد و ما تحت یکی از سخت‌ترین آزمایشاتی قرار گرفته‌ایم که هیچگاه در عصر جدید دیده نشده است. با اینهمه، ما برای به جلو بردن هر چه بیشتر ایده‌هایمان شک و شبه‌های بخود راه ندادیم. این خود مبین دروغ‌هایی است که کوبا را از اقبال شوروی معرفی می‌کرد. ما نشان دادیم که ستاره‌ای بوده‌ایم. ستاره‌ای که فروغ و روشنایی خاص خود را پرتو افکنی می‌نموده است. چرا



به ما دیکته کند.

شرایط کنونی کوبا که هر روز تعداد بیشتری از مردم خواستار ترک کشور هستند، پافشاری غیر اصولی دولت کوبا و حزب کمونیست این کشور در عدم برگزاری یک انتخابات آزاد بر اساس سیستم چند حزبی سبب آن شده که بحران در کوبا هر چه بیشتر تعمیق پیدا کند. کشور کوبا طی سالیان متعددی با دریافت کمکهای موثر اقتصادی اتحاد شوروی سابق می‌توانست به بخشی از نیازهای مردم این کشور پاسخ گوید. متأسفانه دولت کوبا هیچگاه از کمکهای دریافت شده، در جهت ساختن یک زیربنای اقتصادی مستحکم که بتواند سیستم اقتصادی تک محصولی این کشور را تغییر دهد، حرکت نکرد. نقطه آغاز انحرافی که دولت کوبا و حزب کمونیست این کشور در پیش گرفت، اتکاء غیر اصولی به دولت اتحاد شوروی سابق بود. این تکاء در بحران موشکها نشان داد که نمی‌تواند قابل دوام و برای مردم کوبا منافعی در بر داشته باشد. نبرد خلق برای اطلاع خوانندگان خود از حوادثی که در گذشته در کوبا در رابطه با اتحاد شوروی سابق پیش آمده، ترجمه یک مقاله از روزنامه لوموند چاپ فرانسه را به چاپ می‌کند.

نگاهی به حوادث ماه

گذشته در کوبا

در سال گذشته ۳۷۰۰ کوبایی که در میان آنها کادرهای برجسته و صاحبان حرفه‌های تخصصی نیز وجود داشتند نه از سرکوب بلکه بیشتر برای فرار از مشکلات اقتصادی که از سال ۱۹۸۹ شدت یافته‌اند از راه دریا به سواحل فلوریدا رفتند. از اول ژانویه تا چهارم ماه اوت امسال هم نزدیک به ۵۰۰۰ نفر از راههای گوناگون، دریایی و هوایی خود را به فلوریدا رسانیده و درخواست پناهندگی کردند. از چهارم اوت که دولت کوبا برای تامین کسر بودجه بیمه‌های اجتماعی طرحی را مبنی بر اخذ مالیات از درآمد و عایدات از مجلس گذراند، این کشور که در آن خدمات پزشکی رایگان بود، با بحران بیسابقه‌ای روبرو شد.

جمعه ۱۴ مرداد امسال (۵ اوت) در درگیری بین گروه بسیار زیادی از کوبائیان که با منحرف کردن مسیر کشتی‌ها قصد رفتن به سواحل فلوریدا را داشتند تعدادی زخمی و دو پلیس نیز کشته شدند. ژرژ ساس‌کانوسا، مسئول قدرتمندترین



که با از بین رفتن اتحاد شوروی ما راه انقلابی خود را دنبال نموده‌ایم، ما نه دلسرد شده‌ایم و نه مطیع، و مقابله با این آزمون سخت را با اعتماد کامل به آینده ادامه خواهیم داد. ضمن اینکه خود تخریبی اتحاد شوروی نه در مورد چین مصداق دارد و نه در مورد ویتنام.

- برای شما چین نمونه‌ای برای دنبال‌روی است؟
- تجربه‌ای است قابل بررسی. چینی‌ها خود می‌گویند که هیچکس نباید بصورت اتوماتیک کارهای دیگران را تقلید کند. آنها بخاطر کاربرد مکانیکی، تجربه شوروی، در سالهای اول از خود انتقاد می‌کنند، ولیکن آنچه را که سوسیالیسم در چین، کشور گرسنگی، فقر و بلایا انجام داده را نمی‌پایند از یاد برد. امروزه چین خوراک و پوشاک و بهداشت و تربیت یک میلیارد و دوست میلیون سکنه‌اش را تامین می‌کند. پرزیدان کنونی چین ژیانگ‌زومین، چندی قبل به هاوانا آمده بود. مردی است زیرک، با فرهنگ. خون‌گرم و بسیار لایق، که بصورتی فوق‌العاده نظرم را جلب نمود.

« کشورمان را در بی‌نظمی غوطه‌ور نمی‌کنیم »

- منتها چین، در سیاست سوسیالیست و در پی آنست که در اقتصاد سوسیالیست نباشد. موقعیکه همه چیز در اطراف تغییر می‌کند، برای کوبا مشکل نیست سوسیالیست باقی بماند؟
- چین کشوری است سوسیالیست و ویتنام نیز. آنها مصرند تمام رفورم‌های لازم برای توسعه خود و دنبال نمودن اهداف سوسیالیسم را انجام داده‌اند. رژیم‌ی که بصورت شیمیایی خالص باشد وجود ندارد. در کوبا فی‌المثل ما در اشکال مختلف مالکیت خصوصی داریم، ما دهها هزار مالک داریم. بعضی‌ها تا ۴۵ هکتار زمین دارند. و تقریباً همه کوبائیمها مالک منزلی هستند که در آن سکونت دارند. بعلاوه ما بیش از پیش برای سرمایه‌گذارهای خارجی در کوبا راه باز کرده و آمادگی داریم. همه اینها اینها مشخصه کوبا بمثابه یک کشور سوسیالیستی را از بین نمی‌برد.

اما مسلم است که ما هیچوقت اشتباه ویران کردن کشور برای ساختن چیز جدید را مرتکب نخواهیم شد. ما همچنین اشتباه غوطه‌ور ساختن کشورمان در بی‌نظمی و هرج و مرج را برای حل مسائلمان مرتکب نخواهیم شد. زیرا در حالت بهترین راه حل حل نمودن مائل است. (...)

- به سرچشمه کل ملال‌های شما، ایالات متحده پپردازیم. صدای شما را شنیدم که با نوعی

تحسین، یا لاقبل با نوعی سمپاتی از این کشور صحبت می‌کردید.

- من هیچگاه از به رسمیت شناختن و قبول شایستگی‌های مردم امریکا دست برداشته‌ایم. نباید فراموش کرد که ایالات متحده مستعمره‌ای بود که مدتها برای استقلال مبارزه و آنرا بدست آورد. بعد هم آنها بودند که استقلال و اولین قانون اساسی مدرن را اعلام داشتند. خود من، در دفاعیاتم در جریان رویداد مونکادا چند تا از اصول بیانیه امریکائیان را بکار بردم؛ بیانیه‌ای است بسیار زیبا و دلنشین. برای لینکلن من همیشه احساس سمپاتی و تحسین داشته‌ام. در نوجوانی بود که نقش روزولت در مبارزه علیه فاشیسم را فهمیدم. - مورد کندی را در نظر بگیریم؛ او محاصره علیه کوبا را مقرر ساخت. وقتی طرح‌های زیادی برای به قتل رسانیدن من تهیه شده بودند، او پرزیدان بود. ولیکن من از او کینه‌ای در دل نگاه نداشته‌ام. او فردی درخشان و با هوش و صاحب صلاحیت‌های شخصی بود. من هیچگاه از کینه و احساساتم تبعیت نکرده‌ام. نه تنها من، بلکه همه مردم کوبا همیشه رفتار احترام امیزی با شهروندان امریکایی داشته‌اند (...). ما روانشناسی سردی آزاد را که احتیاج به گسترش تعصب و کینه نسبت به مردمان دیگر ندارد، داریم. هیچوقت حزب یا سازمانهای انقلابی ما موعظه و صحبتی در باره کینه نسبت به امریکائیان ننموده‌اند.

- چند بار مورد سوء قصد قرار گرفته‌اید.
- در این زمینه اگر مسابقه المپیکی وجود می‌داشت حتماً برنده مدال طلا بودم! در سنای واشنگتن، وجود چندین اقدام بسوء قصد را قبول نموده‌اند. من مورد یکسوء قصد که چند تایی آنها را مستقیماً سیا سازمان داده بود قرار گرفته‌ام. سوء قصدهای دیگر هم، الهام یافته، هماهنگ شده و پرداخت شده توسط سیا وجود داشته است. بعضی از این سوءقصدها بسیار نزدیک به موقعیت و به ثمر رسیدن بودند. با اینهمه من زیاد فکرم را نمی‌کنم و حتی با آنها تقریباً سرگرم می‌شوم.

- شما با هشت پرزیدان امریکا سروکار داشته‌اید. در حال حاضر کلینتون پرزیدان است، اولین پرزیدانی است که از شما جوانتر است. بین ایالات متحده و کوبا آیا گفتگوهای در جریان است.

- رؤسای جمهور امریکا بنده خیلی چیزها هستند، از جمله تبلیغات انتخاباتی، که در آن تعهداتی می‌کنند. و کلینتون بدبختانه بیانات ناموافقی در مورد کوبا ایراد نمود. او در توافق با اشخاصی نظیر تریچلی، که در اواخر حکومت بوش قانونی در مورد سخت‌تر نمودن

محاصره کوبا ارائه کرده است.
- ولی عوامل دیگری هم هستند. همه پرزیدان‌ها، در دوره اول ریاست جمهوری‌شان وقتشان را بفکر کردن برای دور دوم می‌گذرانند. اینستکه آنها در دور اول ریاستشان، بسیار محتاط و ملاحظه‌کار بوده و برای گرفتن تصمیمات جدید مرددند. به این دلایل در حال حاضر گفتگوهای برای بهبود روابطمان در کار نیست، بجز گفتگوهای دست دومی نظیر مسائل مهاجرت.

کلینتون مرد صلح که می‌خواهد برای مردم امریکا کارهایی انجام دهد، است. برای من بسیار مشکل است که از کلینتون صحبت کنم، زیرا اگر خوش را بگویم، دوستانش مضطرب می‌شوند. از کلینتون دفاع نمی‌کنم، نه دوست او هستم و نه دشمن او. تنها سعی می‌کنم او را تحلیل (...). کنم. به گمانم او به فشار راست حساس است، به فشار محافظه‌کارترین عوامل. گاهی موضعی اتخاذ می‌کند ولیکن بعداً بسته به فشارها بمانند کندی در اوائل ریاست جمهوری‌ش، تغییر موضع می‌دهد. ولی فکر می‌کنم که او در حال کسب تجربه است. کندی از عدم موفقیت پیاده نمودن قوا در پلایاژیرون تجربه خیلی زیادی آموخت، طرحی بود که از آیزنهاور و نیکسون به ارث برده بود. و بعداً متوجه شد که اعزام مزدور علیه کوبا دست‌کم گرفتن کوبا است.

- کلینتون هم از بوش ارثی نصیب برد، مثلاً سوماتی. منتها در اینجا هم، یک ملت گرسنه و سازماندهی نشده قادر شد با تهاجم به مخالفت برخیزد و فکر می‌کنم که کلینتون از این مساله درسی آموخته باشد: منتهی او نه با تکبر و تهاجمی جدید بلکه با کمال شهامت و خونسردی عکس‌العمل نشان داد. بصورتی تدریجی فرمولی سیاسی ارائه نمود تا براه حلی از طریق مذاکره و گفتگو دست یابد. اگر رئیس جمهور دیگری بود با نخوت و تکبر عمل نموده و با ویتنام دیگری درگیر می‌شد.

- شما می‌خواهید بگوئید تا کلینتون برای بار دوم به ریاست جمهوری انتخاب نشود بهبود روابطی با ایالات متحده در کار نخواهد بود...؟

- هیچکس نمی‌تواند بگوید فردا چه پیش خواهد آمد. در حال حاضر بنظر من کلینتون خود را متمرکز و معطوف بمسائل داخلی نموده است. بعد هم ما کشور کوچکی هستیم و فکر نمی‌کنم که ایالات متحده زیاد به کوبا بپردازند. آنها مسائل دیگری دارند که برایشان مهمتر است. شاید هم اشتباه کنم...

- شما صحبت کردید از پلایاژیرون، خلیج خوکها، از دوره ماقبل بحران موشکها در اکتبر





۱۹۶۲. آیا اینکه شما از خروشچف خواسته باشید به این مناسبت حمله احتیاطی، حمله اتمی علیه ایالات متحده انجام دهد حقیقت دارد؟
- وضعیتی بود فوقالعاده پر تنش، ما هر لحظه انتظار حمله ایالات متحده را داشتیم، بعد از اتخاذ کلیه تدابیر لازم برای دفاع از کشورمان، من ب فکر ارسال نامه‌ای به خروشچف افتادم، پیامی دلگرم کننده. من ترس از دودلی و تردید او را داشتم و نظرم بر این بود کاری کنم که او قاطعیت خود را حفظ نموده مقاوم بماند و از اوضاع ایجاد شده دلسرد نشود. شخصاً این پیام را در سحرگاه ۲۶ اکتبر به سفیر شوروی دادم. مترجمی حضور نداشت، سفیر بدرستی اسپانیولی بلد نبود، هر کلمه، هر جمله و هر ایده‌ای را چند بار برایش تکرار کردم، او می‌نوشت، ولی نمی‌دانم، او دقیقاً چه چیزی را به خروشچف منتقل نمود.
- و خروشچف امتناع ورزید؟

- خروشچف وقت جواب دادن نیافت، چرا که ناگهان بحران با سرنگون شدن یک هواپیمای U-2 امریکا از طریق یکی از پایگاههای زمین به هوای شوروی، مستقر در بخش شرقی کوبا به اوج خود رسید. ساله‌ای که ضمناً هیچوقت هم دقیقاً روشن نگردید. چند روز بعد خروشچف نامه ای برایم فرستاده لبراز تاسف می نمود که در بحبوحه بحران من به او پیشنهاد حمله اتمی نموده‌ام، چیزی که مطلقاً حقیقت نداشت. محتوای پیام من این نبود ... این بود که نامه دیگری به خروشچف فرستاده و با منتهای احترام به او متذکر شدم که اتهامات وارده علیه من صحت ندارد، بعد هم محتوای پیام اولم را برایش شرح دادم که این بود: اگر ایالات متحده حمله کنند، اگر جنگ شروع شود، اجازه نخواهید داد که اتحاد جماهیر شوروی قربانی اولین حمله شود ...

- ... یک حمله اتمی؟

- آری، اتمی و یقین دارم که موضع من درست بود. یعنی اگر دشمن جنگ را شروع می‌کرد، به او نباید امکان داده می‌شد که اول او در هم بکوبد.

- ایالات متحده چه نیازی به استفاده از سلاح هسته‌ای علیه کوبا داشت؟

- به این که در کوبا سلاحهای هسته‌ای استراتژیک و سلاحهای اتمی تاکتیکی وجود داشت. اگر جنگ یا بمبارانی را علیه کوبا شروع می‌کردند، انهدام کلیه این موشکها معادل بود با یک حمله اتمی. وقتی کسی دارای چند ده موشک با چندین مکانز خرج هسته‌ای باشد، اذعان کنید، که هیچ ارتشی با داشتن یک چنین سلاحهایی حاضر به از بین رفتن بدون استفاده

از آنها نمی‌باشد.

- وضعیت بسیار مشکلی بود. به خود می‌گفتم - خواستار جنگ هسته‌ای نیستم. وانگهی متقاعد بودم که در صورت هجوم، این نوع جنگ (اتمی) شروع خواهد شد. فلسفه شوروی‌ها، به عبارتی فلسفه خروشچف که بارها برایم تکرار کرده بود از اینقرار بود که هر جنگی بین ایالات متحده و اتحاد شوروی تبدیل به جنگ اتمی خواهد شد. دکترین نظامی شوروی این بود. ما بخوبی این را می‌دانستیم که در صورت بروز جنگ، ما از روی زمین محو خواهیم شد، ولیکن آماده تمکین برای کمک به جلوگیری از جنگ نبودیم، می‌فهمید؟

- من نمی‌خواستیم حوادث گذشته در رابطه با هیتلر هنگامی که استالین شترسرخ شده بود، پیش آید. به استالین می‌گفتند که میلیونها سرباز آلمانی در مرز شوروی تجمع کرده‌اند. او جواب می‌داد به این ترتیب می‌خواهند انگلیس‌ها و غرب را برای ورود به جنگ تحریک کنند. و یک روز، در سحرگاه، شوروی با میلیونها نفر مورد حمله قرار گرفت، هواپیماهایش در زمین منهدم شدند و میلیونها سرباز هم در اولین ماه جنگ کشته شدند. داستان حقیقی اینست، واقعی و عینی.

من همیشه از کسانی که می‌خواهند دیگران کاری برایشان انجام دهند ولیکن خود آماده انجام کاری برای طرف مقابل نیستند تنفر دارم

ما گفتند اطلاعاتی دارند که بر حسب آنها کوبا در مقابل خطر بزرگی قرار دارد. و از ما پرسیدند: «فکر می‌کنید چه می‌توان کرد که از حمله ایالات متحده پیشگیری شود؟» ما جواب دادیم: «اگر ایالات متحده بدانند که حمله به کوبا معادل جنگ علیه اتحاد شوروی است، این خود ترمزی بر عزم دخالت آنها خواهد بود.»
از این رو آنها تصمیم گرفته و هیئتی در سطح بالا، به این منظور، به کوبا فرستادند. آنها بر این باور بودند که نمی‌توان تنها به گفتن اینکه حمله به کوبا معادل جنگ با روسیه است اکتفا و قناعت نمود، می‌باید کارهای دیگری هم صورت داد. پرسیدم «چه کارهایی» آنوقت بود که آنها برای اولین بار استقرار موشکها را پیشنهاد نمودند. به آنها گفتم می‌باید با یاران همراهم گفتگو کنم. در جلسه رهبری، ما با استقرار موشکها به دو دلیل موافقت نمودیم.
قبل از هرچیز برای اینکه استقرار موشکها از نظر استراتژیک موجب تقویت اتحاد شوروی می‌شد و این همچنین ضمانتی بود برای ما. بعد هم برای اینکه اگر ما انتظار داشتیم که اتحاد شوروی از منافع ما دفاع نماید ما نیز بایست برای آنها و به خاطر آنها قبول خطر می‌نمودیم. من همیشه از کسانی که می‌خواهند

دیگران کاری برایشان انجام دهند ولیکن خود آماده انجام کاری برای طرف مقابل نیستند تنفر داشته‌ام.
به این ترتیب ما به یک توافق نظامی رسیدیم و در نظر داشتیم آنرا به اطلاع عموم برسانیم، چرا که متقاعد بودیم کاری مشروع انجام می‌دهیم، و حقی برای خود قائلیم، و دلیلی برای مخفی نمودن آن نمی‌بینیم. در این مورد تاکتیکی که خروشچف دنبال می‌نمود درست نبود. تا آنجا که بالاخره هم منجر به جارجونجال گردید: حمل آنهمه مواد جنگی و استقرار آنها بدون اینکه کسی در جریان قرار گیرد مشکل است، این بود که ما رازنگاهداری می‌نمودیم، در حالیکه همه در جریان بوده و از موشکهای کوبا صحبت می‌کردند.

بالاخره بحران به وجود آمد. خروشچف اشتباه دوم را مرتکب و به بحث در مورد مشخصه این سلاحها کشانده شد. در ایالات متحده شروع به صحبت از سلاحهای تعرضی نمودند. خروشچف این تئوری را پیش کشید که سلاحها نه تعرضی هستند و نه دفاعی و بستگی بطریقی دارند که در نظر است از آنها استفاده شود و اضافه نمود که این سلاحها دفاعی هستند.



کنسرت پاریس در تهران روی صفحه تلویزیون

از گات تا نفتا و بحرانهای
بین المللی

از صفحه ۱۰

به ۳۳ درصد در سال ۱۹۷۳ رسید. در این زمان بعضی کشورها به ویژه فرانسه در زمان دوگل آمریکا را به تبدیل دلارهای خود به طلا تهدید کردند. بنابراین نیکسون چاره‌ای جز جدا کردن دلار از طلا نداشت. این اقدام در سال ۱۹۷۱ صورت گرفت و وضعیت سیستم پولی تمام جهان پس از جنگ دوم را دچار تلاطم کرد. (۲)

در اینجا بد نیست که به مسیری که کشورهای اروپایی بعد از این جریان برای سیستم پولی خود انتخاب کردند اشاره‌ای شود. بعد از این یادآوری به سراغ روند اوضاع در رابطه با آمریکا بخواهیم گشت. ادامه دارد.

زیرنویس:

- ۱- کتاب هشدار بزرگ نوشته ریزماگ، ترجمه دکتر مرتضی محیط «ماهنامه سیاسی - اقتصادی»
- ۲- همانجا

مرداد جمع‌آوری شوند. قبلاً علی لاریجانی وزیر ارشاد رژیم گفته بود که «انتن های ماهواره‌ای باید ممنوع شوند، حتی اگر خریدن آنها به آسانی خریدن یک نان باشد». روزنامه رسالت در شماره ۶ مرداد جاری خبر تصویب طرح ممنوعیت ماهواره در کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی مجلس آخوندی که در ۹ ماده تنظیم شده را چاپ کرد. در این مصوبه وزارت کشور رژیم موظف شده که با استفاده از نیروهای انتظامی و نیروی مقاومت بسیج در اسرع وقت نسبت به جمع‌آوری تجهیزات دریافت از ماهواره اقدام نماید.

ساخت جنگنده‌های جدید اختصاص دهد. همچنین کنگره آمریکا لایحه کمکهای دولت آمریکا به کشورهای دیگر را که معادل ۱۳ میلیارد دلار است تصویب نمود. از آن مبلغ اسرائیل ۳ میلیارد و مصر ۲/۱ میلیارد دلار در سال آینده دریافت می‌کند. کنگره آمریکا طرح تخصیص ۳۰۰ میلیون دلار برای عملیات امداد آمریکا در نقاط مختلف جهان را رد کرد.

بنا به گزارشات دریافتی برنامه کنسرت ۳۰ تیر در پاریس که توسط امواج ماهواره پخش گردید، در شهرک اکیاتان روی صفحه تلویزیون کسانیکه امواج تلویزیونی را از طریق ماهواره دریافت می‌کنند، دیده شده است. یک روز بعد از مشاهده این کنسرت در تهران، نیروهای سرکوبگر اهالی این مناطق را برای برچیدن انتن‌های ماهواره بشدت تحت فشار قرار دادند. روزنامه ابرار در اولین شماره بعد از کنسرت پاریس و تظاهرات سی تیر نوشت که پلیس به مدیریت ۱۵ مجمع، در شهرک قدس دستور داده که انتن های ماهواره باید تا روز دوشنبه ۳

بودجه نظامی آمریکا

کنگره آمریکا بودجه نظامی دولت را برای سال ۱۹۹۵ تصویب نمود. بنا به گزارش خبرگزاریها، بودجه نظامی آمریکا برای سال ۱۹۹۵ برابر با ۲۶۴ میلیارد دلار است. کنگره آمریکا همچنین به دولت اجازه داد تا مبلغ ۱۲۵ میلیون دلار برای مطالعه و تحقیق در مورد

فیدل کاسترو از گذشته سخن
می‌گوید

از صفحه ۶

کندی وقتی از او می‌پرسد آیا این سلاحها تعرضی هستند، می‌خواست بداند که آیا اینها سلاحهای استراتژیک هسته‌ای هستند یا خیر. خروشچف این مساله را قاطعانه تکذیب نمود. همچنانکه گرومیکو در دیداری با کندی چند روز قبل از بحران -

فکر می‌کنم قبل از اینکه بحران ایجاد شود، ما باید توافقمان با اتحاد شوروی را بصورت بسیار طبیعی به اطلاع دنیا می‌رساندیم، ضمن اینکه ما کار غیر مشروعی انجام نمی‌دادیم. دفاع مشروعی بود. منتهی خروشچف کندی را گول زد، و همین به پرزیدان آمریکا امکان بدست آوردن مشروعیتی اخلاقی داد تا در دنیا خود را بعنوان فریب داده شده توسط خروشچف، که در کوبا موشک مستقر نموده است، معرفی نماید. حال همه چیز روشن شده است.

- بعد از حادثه‌ترین مرحله بحران، روابط شما با خروشچف خراب شد، چرا؟

- این وضع موقع بیرون کشیدن موشکها رخ داد. ما با این راه حل مخالفتی نداشتیم، ولیکن ما خواستار ضمانتی برای کوبا بودیم در مقابل خروشچف بدون مشورت با ما این تصمیم را گرفت. و این اشتباه بود. کافی بود بگوید: «ما

جان‌اف‌کندی محاصره دریایی کوبا را به خاطر آنکه اتحاد جماهیر شوروی موشکهای هسته‌ای بسمت آمریکا مستقر نموده بوده را اعلام کرد، جدی‌ترین درگیری هسته‌ای تاریخ قابل وقوع بود. بعد از عدم قبول درخواست آمریکا برای به بیرون کشیدن این موشکها، نیکلای خروشچف مرد شماره یک شوروی در مقابل تهدید حمله هوایی یا هجوم به کوبا کوتاه می‌آید. ۲۸ اکتبر دو رهبر توافق می‌کنند که هرگونه تسلیحات «تعرضی» استقرار یافته در کوبا، در مقابل قول کندی به عدم حمله به کوبا بیرون کشیده شوند. فیدل کاسترو در آن موقع که چهارسال بود که در کوبا حکومت می‌کرد، وی رفتار بسیار سخت‌تری داشت و به خروشچف علیه تهدید حمله و هجوم به کوبا هشدار داد و درخواست کرد که در اینصورت «نگذارند وضعیتی ایجاد شود که در آن امپریالیست‌ها بتوانند علیه شوروی اولین ضربه جنگی اتمی را وارد سازند». در خروشچف در پاسخ پیشنهاد «پیش‌قدم شدن برای ضربه اتمی» به سرزمین دشمن را «ناشایست» برآورد نمود. دو نامه‌ای که رهبر کوبا در صحبت‌هایش به آنها اشاره می‌کند، در لوموند ۲۴ نوامبر ۱۹۹۰ انتشار یافته‌اند.

آماده‌ایم موشکهایمان را در مقابل ضمانتی رضایتبخش برای کوبا بیرون ببریم.» موقعی که من پیامی در این رابطه برای خروشچف فرستادم، حوادث به شدت در حال پیشروی و تحول بودند، و خروشچف هم عملاً با کندی توافق نموده بود.

خروشچف موشکهایش را بیرون کشید و ما را با محاصره اقتصادی، پایگاه دریایی گوانتانامو، حملات مسلحانه مستمر و حملات دریایی به سواحلمان تنها گذاشت. بنظر من در لحظاتی که به دنیا احساس لرزشی از جنگ اتمی دست داده بود، اگر با ما مشورت شده بود ایالات متحده نمی‌توانست شرایط حداقلی را که ما پیشنهاد می‌کردیم قبول نکند و بحران بصورتی شایسته حل می‌گردید و ما با شوروی مشاجره و ستیزی نداشتیم.

.....

زیرنویس:

(۱) - ۱۶ و ۱۷ آوریل ۱۹۶۱، دوهزار پناهنده کوبایی که توسط ایالات متحده تعلیم داده شده بودند در پلایای بیرون در خلیج خوکها پیاده شدند. و بعد از ۴۸ ساعت نبرد همه آنها از بین رفتند.

تکمله

بحران موشک‌ها

* ۲۲ اکتبر ۱۹۶۲. وقتی، رئیس جمهور آمریکا



تسلیمه نسرين به مبارزه ادامه می دهد

از صفحه ۲

کرد که به مبارزه اش علیه بنیادگرایی اسلامی علیه رغم تهدید وی به مرگ، ادامه خواهد داد. رمان نویس مذکور که پس از ورود به سوئد در ۱۰ اوت برای اولین بار در ملاء عام ظاهر می شد جایزه کورت توجولسکی ۱۹۹۴ را از جانب بخش سوئدی سازمان بین المللی نویسندگان (کلوپ قلم) دریافت داشت.

خانم نسرين در سخنرانی خود برای تشکر گفت «من یک آرزو دارم، آرزوی دنیایی بدون نابرابری و ستم، جایی که در آن زنان با حقوق خود قوی باشند و از استقلال و احترام برخوردار شوند».

وی با صدایی آرام اضافه کرد: «پیوستن آرزوها به واقعیت ساده نیست اما ما باید سخت کار کنیم تا آرزوها جامه عمل بپوشند». «من امیدوارم به مبارزه ام علیه انتگریشنم که بذر جهل در بسیاری از نقاط جهان می کارد ادامه دهم».

نویسنده مذکور ادامه داد: در حال حاضر من از مرگی که انتگریشنم قول آن را به من داده اند جستم، نمی دانم برای چه مدت.

سرنوشت من هر چه باشد، قول می دهم به تعهداتم برای جهانی که با منطق، بردباری، عشق و زیبایی اداره شود وفادار بمانم.

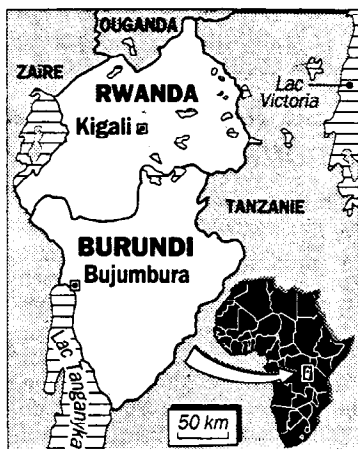
وی گفت: به سختی باور می کنم که در سوئد هستم و اینجا را «مثل خانه ام حس می کنم» احساس امنیت می کنم می توانم جنگل و آب را ببینم، می توانم با مردم برخورد کنم، کاری که نتوانسته بودم در بنگلادش «به مدتی طولانی» انجام دهم.

خانم نسرين از ماههای قبل از آمدنش به سوئد یاد کرد و گفت: من در اتاقهای تاریک بدون هوا بودم. شبها جابجا می شدم و صدای مردم می شنیدم که مرگ مرا فریاد می زدند. من نگرانی و تردید را شناختم. من به آینده خودم و همچنین کشورم فکر می کردم، کشوری که در آن مردم نمی توانند حرفشان را بزنند.

نویسنده مذکور قبل از آنکه در ابتدای ماه اوت خود را به دادگستری کشورش معرفی کند دو ماه مخفی زندگی کرده است. دادگستری کشورش وی را به خاطر کفر پس از انتشار مصاحبه اش در یک روزنامه هندی تحت تعقیب قرار داده است. وی توضیح داد که «حرفهای من را تحریف کرده اند». «من گفتم که باید در قانون اسلامی تجدید نظر شود و نه در قرآن».

نویسنده مذکور گفت که می خواهد به کشورش باز گردد ولی مقامات به او «تضمینی در مورد امنیت وی نداده اند» وی گفت اما قبل از آن به چندین دعوت پاسخ خواهد داد از جمله تروژ و سپس فرانسه

«جنگ رواندا یک جنگ قبیله ای نیست»



منبع: صدای خلق، شماره ششم، ژوئن ۱۹۹۴
نشریه حزب کمونیست کانادا

بر طبق نظر کمیته کمک رسانی به رواندا که مرکز آن در ایالت انتاریو کانادا است، جنگ داخلی در رواندا، نه یک جنگ قبیله ای است و نه اساساً یک تنازع قومی بین اکثریت «هوتو» و اقلیت «توتسی» است. کمیته مذکور وضعیت را بعنوان «قتل عامهای سیستماتیک و از پیش طراحی شده توسط بخش کوچک اما خوبی آموزش دیده و مسلح (از جمعیت) ارزیابی می نماید. گروه (قتل عام کننده) که بخاطر افکار بغایت افراطیشان توسط رئیس جمهور مقتول رواندا، «هایالی مانا» از میان گارد ریاست جمهوری دست چین شده بودند، تشکیل شده است. آنان بعنوان بریگادهای جوان حزب حاکم «آماده و مسلح شدند تا در صورت هرگونه تغییر احتمالی حکومت مبادرت به قتل عام نمایند».

کمیته کمک رسانی در آوریل گذشته توسط رواندایی های مقیم کانادا تشکیل شد. هدف کمیته کسب حمایت برای «دمکراسی» در این کشور افریقای مرکزی، مخالفت با قتل و کشتار و مساعدت در جمع آوری کمک های انسانی است. در نوشته اخیر، کمیته امداد خاطرنشان می سازد که رواندا یک دولت ملی است و نه کشوری با ساخت و بافت قبیله ای، چرا که قبایل واجد خصوصیات از قبیل تعهد و اعتماد، سلسله مراتب، زبان، آداب و رسوم و ساختارهای سیاسی مختلف می باشند که قابل تطبیق به شرایط موجود رواندا نیست. کمیته با پذیرش وجود جنبه ای از تخاصم قومی بین هوتو/توتسی، اما، بر این نکته تاکید می ورزد که پیش از حاکمیت استعماری، هیچ نشانه و سابقه ای از قهر و خشونت بین این دو گروه اجتماعی وجود نداشته است.

وقتی خشونت در ۶ آوریل گذشته آغاز شد، افراطیون هوتو، پیش از اجرای مأموریت اصلی شان که عبارت از نسل کشی توتسی ها بود، نخست وزیر را که خودش نیز جزو هوتوها بود، اما عنصری مدره و لیبرال محسوب می شد، به همراه وزرای کابینه هوتو، وکلای دادگستری، فعالین حقوق بشر و جمعی دیگر به قتل رساندند. توتسی ها قتل عام می شوند «چرا که باور بر اینست که آنان حامی قیام جبهه میهن پرستان رواندا بوده اند، که نیروهایش علیه باند حاکم می رزمند». به گفته کمیته امداد، باند قتل

عام کننده از سیاست های حاکم در ابعاد وسیعی بهره مند بوده و لذا با هر گونه تغییر ریشه ای و اساسی مخالفت ورزیده است.

گروه می افزاید که سیاست داخلی حکومت «هایالی مانا» بمدت بیست سال بر محور قومیت گرایی و منطقه گرایی استوار بود. از زمان استقلال رواندا از بلژیک در سال ۱۹۶۲، توتسی ها بخاطر رنجها و مشکلاتی که تمامی رواندایی ها در طی حاکمیت استعمار متحمل شده اند بناحق توسط دو حکومت هوتو سرزنش شده اند. برای سالیان بسیار به اطرافیان رئیس جمهور که خود مشوق نضرت و یا عامل ارتکاب جنایات بود، آزادی و اختیار کامل داده شد.

کمیته، سازمان ملل متحد را بشدت مورد انتقاد قرار می دهد، چرا که معتقدست نگرانی اصلی U.N، خارج ساختن سربازانش از کشور پس از انتقال خارجی ها (فرانسویها و بلژیکی ها) بود، و لذا با رها کردن هزاران تن دیگر، باعث قتل عامشان گردید. کمیته همچنین گزارشاتی را نقل می کند که بر اساس آنها نماینده عالی U.N در رواندا یک روز پس از حمله موشکی که باعث متلاشی شدن و سقوط هواپیمای رئیس جمهور گردید، در هتلی در حال باده گساری با فرماندهان نظامی مسئول قتل عامها، مشاهده شده است.

کمیته امداد، سازمان ملل متحد و سازمان وحدت افریقا را به تلاش در جهت تسهیل یک پروسه صلح، و تضمین ایجاد یک حکومت واقعاً دمکراتیک فرامی خواند. این کمیته همچنین خواستار یک تحقیق مستقل در مورد علت سقوط هواپیما و حوادث متعاقب آن و نیز تشکیل یک دادگاه بین المللی برای تعقیب و دادرسی مسئولین قتل عامها شده است.

از گات تا نفتا و بحرانهای بین المللی

م - حبیبی

(۱)

توضیح نبرد خلق: مقاله از «گات تا نفتا و بحرانهای بین المللی» توسط م- حبیبی برای نبرد خلق ارسال شده که حاوی اطلاعات مفیدی پیرامون اینگونه قراردادهای بین المللی است. این مقاله به آنگونه که نویسنده متذکر می شود «ناظر بر وقایع پیرامون نحوه شکل گیری موافقت نامه گات تا سرفصل موافقت نامه نفتا است». نبرد خلق متن کامل این مقاله را طی چند شماره چاپ می کند.

انگلستان حزب دمکرات مسیحی آلمان به رهبری

«ادناتر» به قدرت رسید. (۱)

سایر کشورهایی که در چارچوب کمربند حفاظتی قرار گرفتند به لحاظ سیاست اقتصادی تقریباً مشمول همین وضعیت شدند. در حقیقت این مرحله را می توان مقدمات پی ریزی پایه های معاهدات و قراردادهای مربوط به گات دانست. آنهم در چنین ظرف سیاسی - بین المللی که زمینه مساعد آن فراهم بود.

در آن زمان تا تاریخ تشکیل کنفرانس مربوط به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل رویداد دیگری به وقوع پیوست که نقش مکمل در سیاست های اقتصادی آینده جهان داشت این رویداد جنگ ژاپن و آمریکا بود. نگاهی به وضعیت آن جنگ، فضای روشنتری از اوضاع و احوال آن دوره بدست می دهد.

پس از حمله ژاپن به «پرل هاربر» آمریکا به ژاپن اعلان جنگ داد و طی چهار سال ضربات سختی بر آن کشور وارد ساخت بطوریکه هنگام تسلیم ژاپن ۹۰ درصد قدرت تولیدی آن کشور نابود شده بود. روابط آمریکا و ژاپن در سالهای بعد از جنگ را می توان به دو دوره کاملاً مشخص تقسیم کرد.

دوره اول از ۱۹۴۵ تا اواخر ۱۹۴۶

دوره دوم سالهای پس از ۱۹۴۶ و هم زمان با تغییر اساسی در سیاست جهانی آمریکا در دوره اول، ژنرال «مک آرتور» در حالی وارد ژاپن شد که نارضایتی عمومی علیه هیئت حاکمه جنگ طلب در ژاپن به اوج خود رسیده بود. فقر عمومی و بی سامانی بر این نارضایتی ها دامن می زدند. ژنرال مک آرتور سیاست کلی آمریکا در آن شرایط که توسط ریاست جمهوری آمریکا روزولت مبنی بر مبارزه قاطع علیه فاشیسم طرح ریزی شده بود را ادامه می داد. بر اساس این سیاست سندیکا های کارگری، احزاب چپ و از جمله حزب کمونیست ژاپن زیر فشار قرار نگرفتند و

سیاستمداران وقت از زمانی که آلمان حملات خود را متوجه شوروی کرد به فروپاشی آلمان مطمئن بودند به نحوی که در جریان جنگ که طی آن اولین پایه های جدید دنیای پس از جنگ ریخته شد، کنفرانس «برتن وودز» برگزار گردید. از آنجا که با ورود آمریکا به جنگ پیروزی متفقین بر نیروهای محور (آلمان - ژاپن - ایتالیا) تقریباً محرز شده بود در این کنفرانس سیاست آینده اقتصادی به رهبری آمریکا تعیین شد.

می توان گفت انتقال کامل رهبری اقتصادی از انگلستان به آمریکا در این کنفرانس صورت گرفت. انتقال رهبری سیاسی نیز چند سال بعد با سفر چرچیل در سال ۱۹۴۳ به میسوری متحقق شد.

در کنفرانس «برتن وودز» اولاً دلار آمریکا جای لیره انگلستان را بعنوان پول واحد جهانی گرفت به این معنی که ارزش دلار با طلا سنجیده و قیمت هر اونس طلا ۳۲ دلار تعیین شد. واحد پول دیگر کشورها می بایست با دلار سنجیده شود. تصمیم گیری دیگر عبارت بود از ایجاد بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و بانک توسعه و بازسازی. در این سه نهاد پولی آمریکا نقش تعیین کننده داشت.

آمریکا با ورود به این جنگ جهش وار اقتصاد خود را به پیش راند. و برای اولین بار پس از حدود ۱۵ سال تقریباً بیکاری را در کشور از میان برد. و به این ترتیب در ۱۹۴۵ یعنی سال پایان جنگ جهانی دوم آمریکا بیش از پنجاه درصد کل تولید جهانی را در اختیار داشت این برتری اقتصادی نمی توانست پیامد سیاسی نداشته باشد.

سیاست جدید جهانی اقتضا می کرد که این مشی سیاسی در جهان گروه بندی خاص خودش را نیز ایجاد کند. لذا یک کمربند حفاظتی با هدف کمک رساندن همه جانبه بخصوص اقتصادی به کشورهای تشکیل دهنده این کمربند ایجاد شد. این طرح در اروپا، طرح مارشال نامیده شد و بر اساس آن بعد از شکست آلمان، نماینده آمریکا جان مک لوی یکی از سیاستمداران کهنه کار به آلمان فرستاده شد. صنایع عظیم آلمان دوباره زیر نظر صاحبان قبلی یعنی خانواده «کروپ»، «تیس» و «فیل» قرار داده شد، تا بازسازی شود. از دستاوردهای علمی دانشمندان آلمان برای صنایع اسلحه سازی و بخصوص موشکی استفاده شد. از آن پس سیل کمکهای اقتصادی به آلمان سرازیر شد و در همین زمان به کمک و زیر نظر آمریکا و

در بررسی تاریخچه گات تا نقطه توافقات مربوط به پیمان نفتا و سایر توافقاتی که جنبه های تاریخی بخود گرفته است، افت و خیزهایی مشاهده می شود که از یکطرف نبض بحرانهای بین المللی را نشان می دهد و از جانب دیگر در بطن خود بیانگر بحرانهای اقتصادی است. آنچه در این مقاله سعی شده به تصویر کشیده شود، مجموعه بحرانهای بین المللی است که به موازات بحرانهای اقتصادی بوجود می آید.

از جنگ جهانی دوم و برای پایه ریزی یک سیاست جدید بود که معاهدات اقتصادی شکل جدیدی از فعالیت به خود گرفت به نحوی که این سیاست در جنبه های مختلف آن تا دهه ۱۹۹۰ ادامه داشت.

طی این مدت مجموعه ای از معاهدات و قراردادهای اقتصادی شکل گرفت که در حقیقت عطف به مجموعه تحولات بعد از سال ۱۹۴۵ است.

تا قبل از سال ۱۹۴۵ به دلیل مجموعه تحولات آن زمان و بافت سیاسی حاکم بر جهان که نهایتاً منجر به جنگ شد، فعالیت های اقتصادی غالباً بصورت متروپلی حل و فصل می شد با توجه به اینکه اکثر کشورها یا مستعمره بودند و یا استعمارگر لذا نیازی به این قبیل قراردادها نبود و اگر هم بود بین دول اصلی این قراردادها بسته می شد.

اما بعد از سال ۱۹۴۵ که در حقیقت پایان یک دوره و آغاز فصل جدیدی در سیاست جهانی و ایضاً اقتصاد جهانی بود، روابط آن نیز از عنصر تازه ای برخوردار شد، در چنین شرایطی بود که جنبشهای مختلف شکل گرفت و سیاست جهانی نیز بنحوی از انجا به این امر کمک می کرد.

این تغییر در سیاست جهانی قبل از خاتمه جنگ از دید سیاستمداران وقت دور نماند، به نحوی که هنوز جنگ تمام نشده چرچیل نخست وزیر وقت انگلیس در ملاقات با روزولت رئیس جمهور آمریکا وی را در جریان تغییرات ایجاد شده می گذارد.

ولی سیاست جدید مبتنی بر این تغییر در زمان حیات روزولت شکل نگرفت و با روی کار آمدن ترومن سنگ بنای سیاست جهانی جدید گذاشته می شود.

موارد مورد بحث این دو سیاستمدار عبارت بود از سمت دادن مجموعه ای امکانات در مقابل رقیب سیاسی جدید یعنی شرق (شوروی).



امریکا عملاً در جنگ با ژاپن از این جریانها بعنوان پشت جبهه مبارزه علیه فاشیسم استفاده کرد. در سال ۱۹۴۶ مکارتر قانون اساسی جدید ژاپن را بر پایه لیبرالیسم تدوین کرد اساسی‌ترین ماده این سند تاریخی ماده ۹ آن بود که ژاپن را برای همیشه از شروع جنگ و اعمال زور برای حل مسائل بین‌المللی منع می‌کرد.

دردوره دوم، سال ۱۹۴۷ سال تعیین کننده ای در روابط امریکا و ژاپن بود. با روی کار آمدن ترومن و اعلام دکترین ترومن و شروع جنگ سرد، سیاست کلی امریکا در سطح جهانی و از جمله در مورد ژاپن چرخشی بزرگ پیدا کرد. نشانه‌های این تغییر از اواخر جنگ به آسانی قابل رویت بود به طوریکه بلافاصله پس از تسلیم ژاپن امریکا به تمام سربازان ژاپنی در مناطق تحت اشغال خود در هندوچین فرمان داده شد که نه تنها اسلحه‌های خود را زمین نگذارند بلکه آنرا متوجه ارتش ویت مین در هندوچین کنند. به این ترتیب از ۱۹۴۷ ژاپن بعنوان متحد استراتژیک امریکا درآمد. در پی این تغییر سیاست، در ژاپن نیز نظیر آلمان صنایع بزرگ به صاحبان شرکتها و خانواده‌هایی مانند میتسوبیشی، هیتاچی، کاوازاکی برگردانده شد که مسلح کنندگان ژاپن در زمان جنگ بودند. بطور خلاصه در مرحله دوم امریکا تمام سعی خود را در جهت بوجود آوردن متحد قوی از ژاپن ویران شده بعمل آورد. ظنن روزگار آنکه با اجرای سیاست فوق امریکا مقدمات تبدیل ژاپن را به یکی از بزرگترین قدرتهای اقتصادی جهان فراهم آورد. تردیدی نیست که جنگ کره و ویتنام به این وضعیت اقتصادی کمک فراوانی کرد، به طوریکه سفارشات عظیم امریکا برای کامیون و سایر وسائل نقلیه برای استفاده در جنگ کره بود که شرکت تویوتا را در سال ۱۹۵۱ از ورشکستگی نجات داد. در چنین اوضاع و شرایطی در سال ۱۹۵۱، در کنفرانسی برای تخفیف تعرفه‌ها برای ۸۷۰۰ کالا ۲۸ کشورگرد هم آمدند. بررسی وضعیت اقتصادی امریکا بعنوان موتور محرکه اقتصادی بعد از جنگ، شرایط بین‌المللی بعد از جنگ را مشخص می‌کند. اقتصاد امریکا سه دوره رکود را پشت سر گذاشته است. بررسی این سه دوره بررسی بحرانهای بین‌المللی را سهل‌تر می‌کند.

رکود در اقتصاد امریکا

اولین رکود در اقتصاد امریکا سالهای ۱۹۴۸-۴۹ به وقوع پیوست. این رکود که نسبتاً عمیق بود، با شروع جنگ کره برطرف شد. دومین رکود در سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ به وقوع

پیوست که کوتاه و نسبتاً خفیف بود. جنگ ویتنام از سال ۱۹۶۲ اوجی تازه به اقتصاد امریکا داد با این وجود باز هم اقتصاد امریکا در سالهای ۱۹۷۰-۱۹۷۴ و بالاخره در سالهای ۱۹۸۱-۸۲ دچار رکود شد با روی کار آمدن دولت ریگان جنگ سرد ابعاد تازه‌ای گرفت و بیش از دوتریلیون دلار بودجه نظامی به بهانه مقابله با «امپراطور شیطانی» به اقتصاد امریکا تزریق شد که بین سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۸ رونقی کم سابقه به اقتصاد این کشور بخشید. تحت چنین شرایطی بودجه سالیانه دولت امریکا با کسری موازنه عظیم روبرو شد. کاهش کم‌سابقه مالیاتهای اخذ شده قشر بالایی ثروتمند جامعه، ترغیب مردم به خرید و مصرف بیش از اندازه، افزایش میزان وامهای دولتی و غیر دولتی به رقم نجومی ۱۰ تریلیون دلار. در شرایط کنونی وامهای دولتی به تنهایی ۳/۵ تریلیون دلار است که بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار آن وام خارجی است.

بدون تردید جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی که پس از جنگ جهانی دوم شروع شد از اساسی‌ترین وسائل تزریق چند تریلیون دلار به صنایع نظامی و فعالیتهای تحقیق و توسعه در این حوزه از صنعت شد که بعنوان خونی حیات بخش برای اقتصاد امریکا و اثرات ثانوی و جانبی آن به روی صنایع دیگر کشورهای غربی عمل کرد.

صنایع اسلحه‌سازی در امریکا نه تنها بطور مستقیم و غیر مستقیم (از طریق صنایع وابسته به آن) بخش قابل توجهی از نیروی کار کشور در خود جای داده بود، بلکه می‌توان آنرا از ارکان اساسی اقتصاد امریکا از نظر صادرات و ترمیم کسری موازنه تجاری و بخش قابل توجهی از تولید ناخالص ملی دانست. بودجه نظامی ۳۰۰ میلیارد دلاری بطور مستقیم و بودجه چهار میلیارد دلاری وزارت انرژی NASA نقش تعیین کننده‌ای در اقتصاد امریکا داشت. نفت خام در کشورهای متروپل ثروتی عظیم به امریکا بخشید و توانست چرخ عظیم صنایع امریکا را به حرکت درآورده و موجب سرمایه‌گذاریهای بزرگ در صنایع پایه‌ای و تجدید حیات کارخانه‌های فرسوده شود. صدها میلیارد دلار پول خرید نفت از کشورهای نفت‌خیز به ویژه کشورهای چمن ایران، عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس در بانکهای امریکا - انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی انباشته شد. وجود این عوامل و بالا رفتن ثروت کشورهای صنعتی و کشورهای وابسته به آنها در جهان سوم که قدرت خرید عظیمی در سطح جهانی بوجود آورد زمینه لازم را برای تولید و فروش اجناس کشورهای غربی اصلی

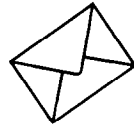
ایجاد کرد و به آنها اجازه داد که هم بازارهای جهان را برای تمام کشورهای تولیدکننده باز نگه دارند و هم فرصت داده شود تا کالای خود را با نرخ سود قابل قبولی به فروش برسانند چرا که سطح تقاضا بالا نگه داشته می‌شد. در عین حال قوانین تجارت آزاد بین‌المللی (گات) نیز به نوبه خود به این شرایط کمک فراوانی می‌کرد و از این طریق تجارت بین‌المللی اوجی بی‌سابقه می‌گرفت. با چنین زمینه مساعدی انقلاب صنعتی - اطلاعاتی (کامپیوتر) صورت گرفت و از آنجا که قدرت خرید عظیمی در جهان وجود داشت با فروش آن و وارد کردن کامپیوتر در صنایع، بازهم اقتصاد گرم نگه داشته می‌شد. مجموعه این شرایط باعث شد که طی مدت کوتاه رشد اقتصادی باعث بوجود آمدن یک طبقه متوسط و مرفه که در حقیقت بعنوان ستون اصلی فعالیتهای این دوره عمل می‌کرد بوجود آید. زمینه‌های فوق عواملی بود که باعث شد شرایطی فراهم آورد تا اقتصاد امریکا این بحرانها را آن هم به طور موقت پشت سر بگذارد.

ولی در سالهای ۱۹۹۰ امریکا به سوی یک بحران همه جانبه دیگر، که در ۶۰ سال اخیر سابقه نداشته است پیش رفته است. این بحران را میتوان با بحران سالهای ۱۹۲۹-۳۲ مقایسه کرد که امریکا برای برون‌رفت از آن به جنگ جهانی دوم وارد شد. آنچه که واجد اهمیت است آن است که اقتصاد امریکا با تمهیدات پیش گفته از سال ۱۹۷۰ به بعد قادر به حل مسئله رکود مزمن اقتصادی و مازاد تولید نشده است.

بررسی رکودهای عمیق سالهای ۱۹۷۴-۷۵ و ۱۹۸۱-۸۲ نشان می‌دهد که دامن زدن به جنگ سرد توسط ریگان و تزریق دوتریلیون دلار بودجه نظامی اگر چه اقتصاد امریکا را بطور نسبی رونق بخشید، اما نتوانست آنرا قطعاً از بحران خارج کند بدون تردید سیاستهای مالی و مالیاتی دولت نیز مردم را به مصرف زیاد و پسانداز کم تشویق می‌کرد و به این ترتیب هم دولت کندی و هم دولت جانسون حاضر به افزایش عظیم بودجه نظامی می‌شدند. در حالیکه حاضر به بالابردن مالیاتها نبودند (بخاطر خطرات سیاسی آن) در نتیجه ناگزیر به گذراندن بودجه‌هایی با کسری عظیم و گرفتن وامهای بزرگ شدند. قیمتها شروع به افزایش کرد و از این طریق اولین ضربات به قدرت رقابتی کالاهای امریکا در سطح جهانی وارد شد. علاوه براین با جنگ کره و ویتنام مقادیر عظیمی دلار از امریکا خارج و بدنبال آن ذخیره طلای امریکا شروع به سقوط کرد. از ۶۸ درصد ذخیره طلای جهان در سال ۱۹۵۰ در صفحه ۷

پاسخ به نامه ها

توضیح مجدد در مورد ستون برخی از رویدادهای تاریخی



NABARD _ E _ KHALGH

Organ of the
organization of Iranian
People's Fedaiian Guerillas

No : 111 23 Aug 1994

Nabard
B.P 20
91350 Grigny cedex
FRANCE

Nabard
Post fach 102001
50460 KOLN
GERMANY

Hoviat
Post Restante
Mimers Gade 118
2200 N_DANMARK

Hoveyat
P.O Box 1722
Chantilly , VA 22022
U. S. A

Nabard
Casella Postale 307
65100 Pescara
ITALIA

B.P 121
1061 Wien
AUSTRIA

PRICE : 6 F France

بعضی از خوانندگان نبردخلق هرچند وقت یکبار در مورد ستون «برخی از رویدادهای تاریخی» مطالبی برای ما می‌نویسند که لازم می‌دانیم یکبار دیگر در مورد مطالب مندرج در این ستون توضیح دهیم. در ابتدا باید از توجه خوانندگان عزیز که برای ما در مورد این ستون نامه می‌نویسند، تشکر و قدردانی کنیم و بعد لازم است توضیح دهیم که ما در این ستون به رویدادهایی اشاره می‌کنیم که به نحوی جنبه تاریخی داشته باشد، برای ما اساساً ماهیت و سمت‌گیری این رویداد مطرح نیست، آنچه در این ستون برای ما مطرح است اینست که یک رویداد مشخص در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ما و در مواردی در جهان ما، از جنبه تاریخی دارای اهمیت باشد. بنابراین اگر دوستانی لطف کرده و ما را مورد انتقاد قرار می‌دهند، باید با توجه به هدف این ستون با ما برخورد کنند. بطور مثال برای ما توضیح دهند که فلان رویداد اهمیت تاریخی نداشته و قابل یادآوری نیست.

ضمن تشکر مجدد از دوستانی که برای ما نامه می‌نویسند، نامه آقای «حمیدرضا الف» را برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق بطور کامل چاپ می‌کنیم و برای آقای حمیدرضا و سایر دوستان و خوانندگان نبردخلق که ما را مورد لطف قرار می‌دهند آرزوی پیروزی می‌کنیم.

نشریه وزین نبردخلق با سلام ، در نبرد خلق شماره ۱۰۹ به تاریخ اول تیرماه ۱۳۷۳ در ستون سوم صفحه ۱۱ مطلبی بود به این شرح: «۷ ژوئیه ۱۹۲۶ : درگذشت ادواردبراون، ایرانشناس، ادیب و محقق انگلیسی». در اینکه ادواردبراون ایرانشناس و ادیب و محقق انگلیسی بود جای هیچ شک و شبه‌ای نیست. اما او (ادواردبراون) قبل از اینکه همه اینها باشد جاسوس و حقوق‌بگیر اینتلیجنت سرویس بود. حرفهای تحقیرآمیز و توهین های او به سردارملی ستارخان در نوشته هایش هنوز که هنوز است وجود دارد. ادواردبراون در مورد ستارخان می‌گوید: ستارخان بیسواد است، ستارخان فارسی را با لهجه حرف می‌زند، ستارخان در جوانی چوپان بوده است. مسعود رجوی در سخنرانی انتخاباتی‌اش در تبریز در سال ۵۹ در یک قسمت از حرفهایش راجع به ادواردبراون می‌گوید: جاسوس اجنبی. البته من می‌دانم که آوردن اسم یک نفر به معنی تأیید حرفها و نظریاتش نیست. اما سؤال این است که آوردن این مطلب در نشریه چه کمکی می‌کند و چه مسئله‌ای را حل می‌کند؟ با دروهای مجدد و آرزوی موفقیت برای خلق‌مان حمیدرضا الف - ۲۹ تیر ۷۳

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

۱۳۶۸/۶/۴ - ترور بهمن جوادی (غلام کشاورز) از کادرهای پرسابقه کومه توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در قبرس
۱۳۶۸/۶/۱۳ - ترور صدیق کمانگر عضو کمیته مرکزی کومه در نوار مرزی توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی
۱۳۶۸/۶/۱۱ - درگذشت منوچهر محجوبی، طنزنویس مشهور ایران بعثت بیماری سرطان در لندن
۱۳۷۰/۶/۲۸ - ترور رفیق سمید یزدان‌پناه، دبیر هیئت مؤسس اتحاد انقلابیون خلق کردستان توسط مزدوران رژیم آخوندی در سلیمانیه
۱۳۷۱/۶/۲۶ - ترور دکتر محمدصادق شرفکنندی دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران ، فتح عبدلی و همایون اردلان از مسئولین این حزب در خارج کشور و حسین نوری دهکردی توسط مزدوران رژیم آخوندی در برلن
روزهای بین‌المللی
۱۷ شهریور برابر با ۸ سپتامبر - روز جهانی پیکار با بیسوادی
۱۰ شهریور برابر با ۱ سپتامبر - روز جهانی صلح

خارجی: از ۲۲ اوت تا ۲۳ سپتامبر
۲۲ سپتامبر ۱۸۶۲ - اعلام آزادی بردگان جنوب آمریکا توسط ابراهام لینکلن، رئیس جمهور فقید آمریکا
۱ سپتامبر ۱۹۳۹ - شروع جنگ جهانی دوم از سوی فاشیسم هیتلری، آغاز حمله به لهستان
۲ سپتامبر ۱۹۴۵ - اعلام جمهوری دمکراتیک مردم ویتنام در شمال این کشور
۲ سپتامبر ۱۹۴۵ - تسلیم ژاپن و پایان جنگ جهانی دوم
۹ سپتامبر ۱۹۴۸ - تاسیس جمهوری دمکراتیک خلق کره
۲۶ اوت ۱۹۶۶ - تاسیس سازمان خلق افریقای جنوب غربی (سواپو) و روز همبستگی با خلق نامیبیا
۳ سپتامبر ۱۹۶۹ - درگذشت رفیق هوشی‌مین
۴ سپتامبر ۱۹۷۰ - پیروزی سالوادورالنده در انتخابات شیلی
۱۷ سپتامبر ۱۹۷۰ - کشتار مردم فلسطین در اردوگاههای اردن (سپتامبر سیاه)
۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ - انجام کودتای امپریالیستی علیه دولت ملی آکنده بدست پینوشه و به شهادت رسیدن سالوادورالنده
۸ سپتامبر ۱۹۷۶ - درگذشت رفیق مائوتسه‌تنگ
۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲ - کشتار وحشیانه خلق فلسطین در «صبرا» و «شتیلا» بدست عوامل ارتجاع و صهیونیسم



حساب بانکی نبرد خلق

نام بانک: SOCIETE GENERAL
آدرس بانک: BOULOGNE_S_SEIN
FRANCE
کد گیشه: 03760
شماره حساب: 00050097851
نام صاحب حساب: Mme.Tallat R.T

با کمک‌های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید



**در برابر تندری می ایستند
خانه را روشن می کنند
و می میرند**

شهادت فدایی شهریور ماه

رفقای فدایی :

یعقوب (امیر) تقدیری - ایرج سپهری - علی
میرشکاری - انور اعظمی - محمود باباعلی -
اعظم اسادات روحی آهنگران - حسن سعادت - پروین
فاطمی - طهرسرت اکبری - جمیل یخچالی -
شهریار و احسن ناهید - محمد مجیدی - حمید
رضامالکی - احمد صادقی - محمدتقی برومند -
بهنام رهبر - بهمن رهبر - محمدرضا فریدی -
سعیده کریمان - پرویز داوری - غلامحسین بیگی -
حسن صالحی - علی رضا شاه بابایی - ناصر فتوتی -
محمد سیاسی - حمیدرضا ماهیگیر - عباس کابلی -
جواد کارشی - نادره نوری - علیرضا پناهی - قاسم
معروفی - ابوبکر آرمان - هوشنگ احمدی - رشید
یزدان پناه (سکوک) - بیژن جنتی - مرتضی خدامرادی
- مصطفی شمس الدینی - قاسم سیدباقری -
عبدالرضا غفوری - عزیز محمد رحیمی - اصغر
جعفری جزایری - خسرو مبارکی - سعید رهبری -
علیرضا یراقچی - محمدرضا ستوده - احمدرضا
شعاعی - مهدی سمعی - ابوالفضل قزلایاق -
رشید آهنگری - محمد تمدن - جمشید میرحیدری
این رفقا از سال ۵۰ تاکنون در مبارزه علیه
امپریالیسم و ارتجاع و بوسیله مزدوران رژیمهای شاه
و خمینی بشهادت رسیدند.

برخی از رویدادهای تاریخی شهریور ماه

داخلی:

۱۲۸۶/۶/۸ - اعدام انقلابی اتابک السلطان از
ضد انقلابیون دوران مشروطیت به دست عباس
آقا از مجاهدین تبریز

۱۲۹۹/۶/۲۱ - شهادت شیخ محمد خیابانی

۱۳۲۰/۶/۳ - ورود نیروهای متفقین به ایران و
پایان حکومت ارتجاعی و ضد مردمی رضاشاه
پهلوی

۱۳۲۱/۶/۱۱ - اعتصاب خونین کارگران
ریسندگی سمنان و شهادت ۵ کارگر مبارز این
کارخانه

۱۳۲۴/۶/۱۲ - تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان

۱۳۳۳/۶/۲۸ - امضاء قرارداد با کنسرسیوم
بین المللی نفت، توسط علی امینی

۱۳۴۷/۶/۹ - درگذشت نویسنده انقلابی، رفیق
صمد بهرنکی

۱۳۴۷/۶/۱۱ - اعدام ملاآواره و دونفر دیگر از
رفقایش توسط رژیم محمدرضا شاه در سردشت

۱۳۵۰/۶/۱ - دستگیری اولین دسته از اعضاء و
مسئولین سازمان مجاهدین خلق ایران به وسیله
مزدوران ساواک شاه

۱۳۵۲/۶/۱۶ - شهادت مجاهد قهرمان مهدی
رضایی

۱۳۵۷/۶/۴ - تظاهرات وسیع مردم تهران و
سقوط دولت آموزگار و تشکیل دولت شریف
امامی

۱۳۵۷/۶/۱۳ - اولین تظاهرات گسترده و عظیم
مردم تهران علیه رژیم شاه در روز عید فطر

۱۳۵۷/۶/۱۷ - کشتار مردم تهران (جمعه
خونین) در میدان ژاله و اعلام حکومت نظامی
در تهران و ۱۱ شهر دیگر توسط محمدرضا
شاه

۱۳۵۷/۶/۱۷ - اعتصاب کارگران پالایشگاه
تهران و آغاز اعتصابات سراسری

۱۳۵۸/۶/۱۹ - درگذشت رجل مجاهد، آیت الله
طالقانی

۱۳۵۸/۶/۲۹ - شهادت مبارز برجسته، کاک فواد
مصطفی سلطانی از اعضای رهبری کومله

۱۳۵۸/۶/۱۱ - کشتار وحشیانه مردم روستای
قارنا توسط مزدوران رژیم خمینی به سرکردگی
آخوند ملاحسنی

۱۳۵۹/۶/۱ - شهادت یکی از فرماندهان نظامی
جنبش خلق کرد، سرگرد عباسی عضو کمیته
مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

۱۳۵۹/۶/۳۱ - آغاز جنگ ایران و عراق

۱۳۶۰/۶/۸ - انفجار ساختمان نخست وزیری
رژیم خمینی و بهلاکت رسیدن رجایی، باهنر و
تعدادی دیگر از سرکردگان رژیم توسط
نیروهای مقاومت

اطلاعیه

روز پنجشنبه ۱۳ مرداد، آقای غفور حمزه ای
عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان
ایران بوسیله مزدوران رژیم آخوندی در بغداد
ترور شد.

این اقدام جنایتکارانه دارودسته خامنه ای -
رفسنجانی در شرایط بحرانی کنونی که رژیم به
رزیلانه ترین شیوه ها برای مقابله با مقاومت
ایران متوسل می شود، نشان می دهد که این
جانپان نه فقط نمی خواهد سیاست سرکوب
و صدور تروریسم و ارتجاع را کنار بگذارد، بلکه
با استفاده از سیاست معاشات دولت های مختلف
هر روز به ابعاد جنایات خود می افزایند. در
حالی که اقدامات تروریستی رژیم در مورد هم
میهمان ما در خارج از کشور مدتهاست که از
مرز صد عمل تروریستی گذشته، جباران حاکم
بر ایران از انفجار مراکز فرهنگی و سیاسی
پهودیان در آرژانتین و لندن ابایی ندارند و به
وحشیانه ترین اقدامات تروریستی در الجزایر
یاری می رسانند و..... همه اینها نشان می دهد
که باید با این رژیم قاطعانه مقابله نمود و از
خواست مقاومت ایران مبنی بر قطع رابطه با
رژیم و تحریم تسلیحاتی و نفتی آن حمایت قاطع
نمود.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن
محکوم نمودن قاطعانه ترور آقای غفور حمزه ای،
و ابراز تسلیت همدردی با خانواده و دوستان وی
، از تمامی دولتهای جهان خواستار اتخاذ یک
سیاست قاطع در قبال تروریستهای حاکم بر
میهن ما است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۱۴ مرداد ۱۳۷۳

ترور پیشمرگان کومله را محکوم می کنیم

رادپو کومله در روز ۲۰ مرداد امسال اعلام نمود
که: روز دوشنبه ۱۸ مرداد ماه گروهی مزدور که
از سوی رژیم جمهوری اسلامی مأموریت داشتند،
طی یک توطئه تروریستی در مسیر سلیمانیه -
شاقلا، به سوی یکی از ماشینهای حامل
پیشمرگان کومله شلیک کردند که ۲ نفر از
پیشمرگان کومله جان خود را از دست دادند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن
محکوم نمودن این اقدام تروریستی رژیم
جنایتکار آخوندی، شهادت پیشمرگان سازمان
کردستان حزب کمونیست ایران (کومله) را
تسلیم می گوئیم.

۱۳۶۰/۶/۱۴ - بهلاکت رسیدن دادستان کل

رژیم خمینی

۱۳۶۰/۶/۲۶ - به دار آویخته شدن مجاهد
قهرمان حبیب الله اسلامی عقیل آبادی در حیاط
زندان اوین در مقابل جمعی از زندانیان سیاسی

۱۳۶۰/۶/۲۸ - شهادت روحانی مجاهد حبیب الله
آشوری به اتفاق ۱۰۰ مبارز و مجاهد دیگر

۱۳۶۰/۶/۲۳ - قتل عام ۱۸ کارگر کوره پزخانه
سازوقامیش بدست جاشها و پاسداران جنایتکار
رژیم خمینی

۱۳۶۳/۶/۱۰ - انتشار اولین شماره دوره چهارم
نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق
ایران

۱۳۶۳/۶/۲۷ - تصویب عضویت سازمان
چریکهای فدایی خلق ایران در شورای ملی
مقاومت ایران